



دیدگاه هستی شناسانه در باره تلفن همراه

همراهی هم‌هوان

◆ مهدی ساعتچی

اگر تجربه ناکام متقاضیان تلفن همراهی را که پس از انتظار حدوداً یکساله سیم کارت خود را در حالی تحویل گرفتند که نسبت به زمان ثبت نام دارای اکت قیمت شده بود، هم نمی‌دانستیم، باز هم اشتیاق متقاضیان ثبت نام تلفن همراه شرکت مخابرات در بهمن ماه سال گذشته تعجب‌انگیز بود. به ویژه هنگامی که متوجه می‌شدیم این متقاضیان غالباً خود صاحب تلفن همراه بودند، این سؤال بیشتر به ذهن خطور می‌کرد که سرچشمه این ولع برای خرید و داشتن تلفن همراه کجاست.

یک نگاه سرسری به آمار افزایش تعداد مشترکین در ایران (و همین‌طور آمارهای جهانی)، میل شدید و روز افزون برای داشتن این وسیله را نشان می‌دهد. اما اوج رشد خرید تلفن همراه در سال ۸۵ بود؛ چرا که در پی سیاست برخورداری کلیه اقشار کشور از امکانات ارتباطی و عرضه تلفن‌های همراه اعتباری و ارزان قیمت و همچنین ورود شرکت‌های تالیان و ایرنسل، مقاومت اصرادی را که به هر دلیلی مایل به تهیه آن نبودند یا شکست رویه رو کرد به نحوی که حالا با جرأت بیشتری می‌توان ادعا کرد که تلفن همراه جزئی از لوازم شخصی افراد شده. همچنان که داشتن و یا نداشتن تلفن همراه که سابقاً هشانه‌ای به منظور

ارزیابی شخصیت افراد بود جای خود را به دیگر مسائل از قبیل شکل و مدل گوشه‌ی‌هایی که افراد انتخاب می‌کنند داده‌است.

قصد این مقاله تأملی تا حدی فلسفی-روانشناختی، درباره دلایل این شیفتگی ما در برابر این کالای مدرن است که حالا جزئی از زندگی ما شده. آیا می‌توانیم به راز جذابیت آن در زندگی مان پی ببریم؟

تلفن همراه و حس حضور؛ اگر تابه حال صاحب تلفن همراه نشده باشیم، گهگاه حس جدایی به ما دست داده ما خود را از این امکان ارتباطی محروم کردیم. به یاد بیاوریم هنگامی که با طعنه یکی از آشنایان خود مواجه می‌شویم که از ما کله می‌کند که چرا «هر دسترس نیستیم». این هراس از جدایی از آنجا ناشی می‌شود که می‌تواند مورد غفلت واقع شویم. اغلب ما هنگامی که شماره تلفن همراهی را از آن خود کردیم از رضایت حاصل از غلبه بر این هراس، احساس خوشنودی کردیم. ما به هزینه‌های ناشی از این وسیله تن داده‌ایم ولی در عوض از اضطرابی که می‌تواند هراس از تنها گذاشته شدن را در ما زنده کند نجات می‌یابیم. گویی که اندک خرابی تلفن همراه حلقه‌ای از حضورمندی را برای ما ایجاد کرده و همچنان که این حلقه وسیع‌تر می‌شود تقاضا برای ورود به آن هم افزایش می‌یابد. دیگر نمی‌توان در این مورد چون و چرا کرد که چنین کالایی

مدرسی نه مصداق نیاز بلکه مصداق میل ماست؛ همچنان که کارکرد تلفن همراه هم تنها گفتن و شنیدن نیست. اگر در پاسخ به این سؤال که چرا تلفن همراه نداریم بگوییم به آن نیاز نداریم، پاسخ مبهمی داده‌ایم.

چشمه‌شناسان و متفکران در تحلیل‌های رایج به مصرف‌عموماً بیان می‌کنند که کالاهای در روزگار مصرف‌گرایی همواره بی‌انگیز چیزی بسیار بیشتر از کارکرد ظاهری آن هستند؛ چرا که در بردارنده نشانه‌هایی دال بر جایگاه اجتماعی شخصیت، سلوک و مصرف‌کننده هستند. ولی در میان تمامی اسباب مدرن، تلفن همراه تمایزات خاص خود را دارد که هیچ کالای دیگری دارای مقوله با آن را ندارد. همچنان که از نام آن برمی‌آید این وسیله همواره همراه ما حمل می‌شود هیچ وسیله دیجیتال دیگری تا این حد به جسم و پیکر ما نزدیک نمی‌شود. هیچ وسیله دیگری در طول شبانه‌روز به اندازه تلفن همراه با دست ما لمس نمی‌شود. یک خط تلفن همراه در عین حال هم وسیله حضور و تعلق اجتماعی است و در همان حال به اندازه دفتر خاطرات امری شخصی است.

شاید با پیش‌نهاد گری بتوان بهتر در این مورد تأمل کرد. هنگامی که او در پی توصیف نحوه هستی‌شناسی برمی‌آید، سرانجام از «دوازین» نحوه وجودی خود ماست. ما همواره غوطه‌ور در دریافتی از هستی هستیم که مختص هستی خود ماست و عموماً هم می‌اندیشیم که سخن گفتن در مورد «دوازین»

(یعنی خودمان) سهل است. اما باید متوجه بود که این تصور، توهمی بیش نیست؛ از فضا ما همواره اسیر و سوسه لایم خویش بر اساس الگوهای برگرفته از موجوداتی هستیم که پیوسته با آنها به طریقی در ارتباط هستیم و آنها عالم ما را تشکیل می‌دهند. بی‌آنکه بدانیم یا آنها متفاوتیم. ما خود را بر پایه الگوها و نمونه‌های برگرفته از موجودات غیر انسانی درک می‌کنیم. لذا آدمی از آنچه با آن سر و کار دارد برش از خودش آگاه است. (۱)

از این دیدگاه، نقطه عزیمت رسیدن به درکی از هستی از جایی فریبنده جهان در میان آشیاء آغاز می‌شود. از وجود افرادی که روزانه خود را با جهان و آشیاء هرون آن متحد می‌بینند. برخلاف نگاه سوزن‌کنی، که انسان‌ها را جوهرهایی تک‌افزنده و بی‌عقمان

همچون مونداهای بی‌در و پنجره لایب نیست. می‌پنداشته جهان آشیاء و انسان‌ها در یک سپهر فراق یا هم در کنش هستند. آشیاء و انسان‌ها ماهیت جدایی‌افته و جدایی‌ناقصی از هم ندارند بلکه وجودی بین‌انگیزی، بین‌انسان و جهان حاکم است. انسان لساناً موجودی افزارمند است. ابزارهایی از قبیل کفش صرفاً وسیله‌ای در پای ما نیست. یک کفش ادامه پای ماست. قاشق ادامه دست ما و بیل ادامه پا و دست‌مرد کشاورز است. همه این موارد دو حیث و تعلق بخش ما به زندگی هستند. ما به انگلی این ابزار از لحظه پدید خود آسوده خاطر می‌شویم.

لسا در این عصر، ابزارهایی از قبیل تلفن



همراه رایانه و اینترنت و در کنار ما یافت می‌شوند. اگر این وسایل و ابزارهایی در جهت از خود بیگانگی این عصر هم بدانیسم ولی باز تنها توجه‌گر حضور ما در این زمانه است. فردی که ارتباط خود را با این وسایل قطع کند گویی از قسمتی از حضور خود در این عصر صرف نظر کرده‌است.

تلفن همراه و آزادی فردی؛ مارژین کوپر ۲۷ ساله کسی که ۲۳ سال پیش در شرکت هورتورولا کار می‌کرد و اولین گوشی‌های قابل حمل را ساخت، بیان می‌کند: «دنیای بی‌سیم، دنیای آزادی است؛ دنیای ره‌اشدن از قید و بند تلفن‌های ثابت و قابلیت بودن در هر جایی که بخواهی. این تأثیر کوچکی که من در زندگی مردم داشته‌ام بی‌نهایت خوشنودم می‌کند. چون تلفن‌های همراه با قابلیت‌هایی که هر روز به آن اضافه می‌شود زندگی مردم را بهتر و راحت‌تر می‌کند» (۱).

کمتر سخنی چنین برده و صریح در مورد تلفن همراه تا به حال به گوش ما خورده. این سخنان بیشتر این مطلب است که گویی تلفن همراه پیوندی مستحکم با آزادی فردی ما در این عصر دارد. ماعادت داریم عموماً آزادی را به معنای اوضاع سیاسی، حقوق مدنی، اختیارات رسانه‌ها، بیان هنری و از این قبیل بدانیم. گفتن این‌که یک کالای عادی می‌تواند به خودی خود از جمله منابع آزادی باشد یا اصول فکری ما متأثر است.

با این حال می‌توان دلایلی هم فردی و هم اجتماعی برای نشان دادن این آزادی عنوان کرد. محبوبیت تلفن همراه را برای سنین نوجوان و جوان به راحتی می‌توان مشاهده کرد. برای افسردگان این سخن، مکالمات تلفنی به هیچ وجه صرفاً حکم عملی منفعلانه برای گزارش احوال روزمره و یا تبادل اخبار و جویای احوال شدن را ندارد. مکالمات بزرگسالان امروز جز س دیگری نیست. صرفاً رنگ و بوی و پرس و جوی احوال اصولاً برای جوانان برکنار زندگی عاطفی ندارد. یک نوجوان، خوب می‌داند که در این فناوری پیشرفته چه امکانات فراوانی برای تماس‌های بین فردی در جهت غنی‌تر کردن روابطش و همچنین غلبه بر اضطراب‌هایش به مدد قوه تکلم نهفته در اینجا دیگر عمل او مست و سوی کنشی گاه خلافته و آزادانه در جهت اثبات خود پیدا می‌کند. حال اگر این سمت و سوراها خصوصیات و امکانات تلفن همراه به نجومی شاید تا حدی بتوانیم به راز چندبیت این وسیله برای این سنین دست بیاوریم. تلفن همراه فاقد سیم است (همان‌طور که در سخنان کوپر، بول از همه به آن اشاره می‌شود). دنیای بی‌سیم، آن را می‌توان همراه خود به هر کجا منتقل کرد. سیمی که در انتهای گوشی‌های ثابت هست آن را از وسایل متصل می‌کند به یک مکانی (از قبیل خانه، مغازه، اداره، تلفن واقع در سر چهارراه) است. اما در اینجا دیگر تشخیص این وسیله در گرو مکان آن است. بنابراین در هر چه اول این مکان است که تعیین کننده است. (مثل این‌که می‌گوییم به خانه زنگ زدیم، به مغازه زنگ زدیم و...) اما محصور مکان بودن مطلوب ما نیست. به‌ویژه که «خانه» در فرهنگ ما از منزلت و جایگاه خاصی برخوردار است. گاه نوجوانی که خواب‌تاز آزادی‌های رفتاری بیشتری می‌تند و استقلال خود را طلب می‌کنند آن را سرچشمه محدودیت‌های خود می‌پندارند و سعی در دوری از آن می‌کنند.

به عکس، تلفن همراه تشخیص خود را از فرد درازنده آن می‌گیرد. هر شماره آن، معرف یک شخص است. آن را می‌توان به هر مکانی منتقل کرد.

همان‌گونه که پری ریچاردز (Perry Richards) در کتاب «روانکاوی فرهنگ عامه» (۲) ذکر می‌کند در نوجوانی، گفتن استقلال غالباً بر تحرک جغرافیایی مترکز می‌شود. (دور شدن از خانه) تجربه روانکاوی هم بیانگر این مطلب است که استقلال و کنش آزادانه در مراحل رشد در تجربه جدا شدن از دیگران حاصل می‌شود.

همچنین در روابط بزرگسالان با یکدیگر و یا جامعه به خود، مکان و مسافت همچنان متغیرهایی بسیار با اهمیت هستند. به لحاظ تاریخی، آزاد بودن به میزان زیادی به معنای برخورداری از آزادی بود. حرکت تعبیر شده است از نظر ریچاردز، «کالای عمده در سرمایه‌داری پیشرفته ششینی است که به یکی از چشمگیرترین دستاوردهای این نظام بسیار شباهت دارد و آن را از تقاسمی دهه‌ها مستأورد مورد نظر عبارت است از آمان و امکان تحرک آزادانه در اطراف و اکناف کشور ضمن برخورداری از همه امکانات بالقوه برای شکوفایی استعدادهای فردی و تماس با دیگران» (۳). او تومبیل شخصی را از بهترین این مصداق‌ها می‌داند. اما تلفن همراه هم تا حدود زیادی عنصری است برای غلبه بر مکان ثابت و ایستایی که تقریباً آن را به فرمولوشی می‌سپارد. در تصاویری که قصد نشان دادن مکالمه با تلفن همراه است عموماً فرد یا افرادی را می‌بینیم که به صورت معلق در هوا بدون داشتن مکانی مشغول صحبتند.

تلفن همراه دو امر متناقض در خود دارد: ابزارهای با خصیلت‌های فردگرایانه و همچنین ابزاری برای حضور هر چه بیشتر در زندگی

تلفن همراه علاوه بر این با قابلیت نوشتاری (SMS) امکان تبادل آسانه اطلاعات و گفت‌وگوهایی را برای ما بدید می‌آورد که در شرایط مکالمه و یا ارتباط مستقیم مجالی برای بیان آنها نیست. پیام‌های کوتاه از نظرات‌های خنثی و یا اچتمخام سرپاز می‌زنند. امری که برای ما به هیچ وجه قابل چشم‌پوشی نیست. این پیام‌ها، سفت و سختی اخبار مختلف سیاسی و اجتماعی و سردی را برنمی‌تابد و تمایل دارد آن را در قالب طنز و مزاح در آورد. این آزادی گاه فسرادی را که به طنزگی تلقین همراهی را صاحب می‌شوند به هراس وامی‌دارد ولی به مرور او را با شرایط خود وفق می‌دهد. تا جایی که دارند تلفن همراه سعی می‌کنند این مهارت را در خود تقویت کنند. از این روست که سرویس پیام کوتاه محبوب‌ترین امکاناتی است که مشترکین تلفن همراه مایل به استفاده از آنند.

تلفن همراه و تجلی خودشیفتگی؛ فردی که دقایق بسیار طولانی تلفن همراه خود را در دست دارد و در حالی که به صفحه نمایشگر آن خیره شده و کلیدهای آن را فند می‌دهد و اذاعاً به جست‌وجوی چیست؟ شخصی که اوقات طولانی را در مراکز خرید گوشی‌های همراه در مکان‌هایی مانند خیابان جمهوری در مقابل ویترین تلفن‌های همراه به دنبال گوشی می‌مورد نظر خود می‌گرداند. دقیقاً به دنبال چه هستند؟ حساسیت اغلب ما برای اینکه گوشی مورد نظرمان تمام امکانات پیشرفته را داشته باشد و به اصطلاح به روز باشد از کجا ناشی می‌شود؟

پری ریچاردز در کتاب روانکاوی فرهنگ عامه، مسرت ناشی از کالاهای جدید در عصر ما را پدیده‌ای حاکی از خودشیفتگی می‌داند. در اینجا هم بدون شک می‌توان چنین انتسابی را مطرح کرد. تلفن‌های همراه همراه با امکانات روزافزون خود قادر هستند احساس

کمال مطلوب بودن نفس ما را تأیید کنند. هوقتی به کالای بکر و جدید چشم می‌دوزیم با آن را در ذهن خود مجسم می‌کنیم. تصاویر ذهنی خودمان از یکبار چسبکی و ناک بودن راه به آن فرا می‌آیند. بدین ترتیب آن تصاویر را با عمل خرید که مستی بر بی‌عیب و نقص بودن کالاست به طور صحیح و سالم نگه می‌داریم و متعاقباً در فرایند تخیل و تلمک و استفاده از کالاهای آن تصاویر را مجدداً به نفس خود درون فکری می‌کنیم» (۴).

در روانکاوی اصطلاح خودشیفتگی چندین به معنای عشق برزیدن به خود نیست؛ بلکه این اصطلاح دال بر خیالات مادر مورد بی‌نقص بودنمان به کار می‌رود. خیالاتی که لشکان دارد به هر چیزی فرافکنده شود. به همین شکل، از پارت خودشیفتگی خود کینیسات حقیقتاً جدا می‌شود. ای که در امکانات گوشی ما نهفته را بسیار بالرش می‌ش. ما را می‌باید با آن احساس قدر قدرتی می‌کنیم.

این دیگر پدیده‌ای کاملاً آشنا برای ما است که تقریباً همه ما می‌خواهیم از تمام امکانات ارتباطی جدید در گوشی‌های موبایل جدید بهره‌مند باشیم. (هم از کسانی که قصدی و یا نیازی به آنها داشته باشند یا حتی نحوه کاربرد آن را بلدند. اغلب مایل هستند گوشی‌شان به امکاناتی از قبیل MMS، مکالمه تصویری، دوربین‌های عکاسی و فیلم‌برداری با کیفیت بالا، دسترسی به اینترنت و... برخوردار باشند). آیا این پدیده به این معنا نیست که گویی این خود ما هستیم که دارای چنین امکانات پیشرفته

تلفن همراه دو امر متناقض در خود دارد: ابزارهای با خصیلت‌های فردگرایانه و همچنین ابزاری برای حضور هر چه بیشتر در زندگی

اما صرف نظر از گوشی‌ها، تلفن همراه به لحاظ ماهوی حمل از عنصری است که این احساس را در ما زنده می‌کند. بعضی نوجوانان در حافظه تلفن خود یک رنگ تلفن همراه را دارند که اغلب آن را برای گوشی خود به ستاده نمی‌کنند. ولی برای سرگرمی آن را برای دوستان خود بخش می‌کنند. در ابتدای این رنگ صدایی آسانی است که می‌گوید: «تربونت برم گوشی رو برداره» و سپس همراه آن موسیقی پخش می‌شود و باز به طور متوالی این کلام همراه موسیقی تکرار می‌شود. اما اگر کمی دقت کنیم گویی تمایز رنگهای تلفن همراه (که تماماً بستگی به سلیقه افراد دارد) همین مطلب را چنان می‌کنند. تربونت برم گوشی رو برداره» به این دلیل واضح که رنگ، ای تلفن همراه تنها و تنها برای صاحبانش است. که به صدا می‌آید. همان رنگی که او آن را به سلیقه خود در گوشی‌اش ثبت کرده و هر بار که تلفن او زنگ می‌زند او را به سمت خود فرا می‌خواند. صاحب تلفن همراه خود را می‌بیند که به تلفن جواب دهد یا نه، چرا که او به مدد امکانات این وسیله می‌داند چه کسی پشت خط است. پس به صفحه نمایشگر گوشی خود نگاه می‌اندازد و تصمیم خود را برای جواب دادن یا ندانن قطعی می‌کند. فرد پشت خط هم می‌داند که وقتی ارتباط برقرار شود برقراری مکالمه منوط به تصمیمی است از جانب دارندة گوشی. این امر برای ما همراه مسرت است. اگر در مکانی باشیم که تاگز بریم به تلفن خود جواب ندهیم باز از این‌که آن را خاموش کنیم خودداری می‌کنیم. تا شاید متوجه شویم که چه کسی دارد به ما زنگ می‌زند.

موجودات گازی و هم‌هویتی دارند. تلفن همراه با گوشی‌اش کلیشه‌ای است که گاه مورد استفاده آگاهی‌های تجاری قرار می‌گیرد. اما اگر متوجه برخی حساسیت‌ها و دلچسپی‌های بیمارگونه در افرادی شویم که نسبت به تلفن همراهشان روا می‌دارند، این دیگر نه یک

موجودات گازی و هم‌هویتی دارند. تلفن همراه با گوشی‌اش کلیشه‌ای است که گاه مورد استفاده آگاهی‌های تجاری قرار می‌گیرد. اما اگر متوجه برخی حساسیت‌ها و دلچسپی‌های بیمارگونه در افرادی شویم که نسبت به تلفن همراهشان روا می‌دارند، این دیگر نه یک

کلیشه بلکه یک شبه بیماری‌های آزاددهنده در نظر ما جلوه می‌کند. ما در عصر کالاهای زندگی می‌کنیم و گاه حس هویت خود را از آنها به نحو افراطی کسب می‌کنیم و احساس کمال خود را به مدد تخیل به آنها فرا می‌کنیم.

البته این وضعیت تنها مختص تلفن همراه نیست. ما گاه این خودشیفتگی بیمارگونه در افراد را نسبت به وسایلشان از قبیل تومبیل، کمپیوتر، ضبط صوت، مکنه، جین و... مشاهده می‌کنیم.

کریستوفر لاش (Christopher Lasch) در کتاب مشهور خود «فرهنگ خودشیفتگی» دلیل بحث خودشیفتگی در زمانه ما را خودشیفتگی را کلیشیش بیماری عصر ما می‌پندارد. او ضمن تأکید بر این امر که این خصیلت صرف خودخواهی نیست عنوان می‌کند که این پدیده در هر عصری تجلیات مخصوص به خود را دارد. متناها در عصر حاضر خصیلت بیمارگون آن دوچندان شده. او قصد دارد بین شخصیت خودشیفته و برخی الگوهای خصیصه‌های فرهنگی معاصر ارتباطی برپا دهد. الگوهایی از قبیل احساس پوچی در درون، هراس شدید از کهنوت و مرگ، خشم فروخورده به باز زبانه هراس از رقابت، انزول روحیه بازگوشی، انحطاط روابط مردان و زنان و... ما در این وضعیت، تصاویر باشکوه از مصداق‌های رایج منظور دفاع در برابر اضطراب و حس گناه و ناآرامی‌هایمان در خود ایجاد می‌کنیم. ما هر چه بیش‌تر از حرکت واقعی و اجتماعی خودمان فاصله می‌گیریم و به خیالاتشکن پناه می‌بریم. اگر چه در باطن احساس پوچی پیدا می‌کنیم. در عین حال در خیالاتمان خود را قادر به هر کاری می‌پنداریم. میزان حرمتی که برای خود قائلیم در هر لحظه به طور ناگهانی در نوسان می‌بینیم. در نتیجه خودشیفتگی بیشتر یا کمتر از خود اشتراک می‌یابد تا با تحسین خوده.

حساسیت و وسواس گونه ما هم در مورد این که اسباب و وسایلمان در نهایت بی‌عیب و نقصی و شکوه و عظمت باشند بی‌ارتباط با این مسئله نیست. بری ریچاردز نقل می‌کند که این همان احساسی است که نسبتاً دینی تلقی می‌شود. یعنی نیاز به خدایی که عین کمال است. اما بدین ترتیب (از کلیت) به دنیای مادی چلبه‌جاشده است.

چنان که ملاحظه شد، شاید بتوان گفت تلفن همراه دو امر متناقض در خود جمع آورده است. ابزاری آرامی شده با خصیلت‌های فردگرایانه و کاملاً شخصی‌اش و همچنین ابزاری برای وثوق و حضور هر چه بیشتر در زندگی و اجتماع. به نحوی که به نحو روزافزون امکاناتش افزایش می‌یابد. این وسیله به تنهایی می‌خواهد انواع فعالیت‌ها را در خود جای دهد. اینترنت‌های میل، دوربین، ماشین حساب، رادیو، ضبط صوت، کلرث بیمه و پرداخت بانکی، چراغ قوه، وسیله بازی، دفتر یادداشت و در عین حال همراه بی‌هم‌هان و قاصد عشاق و دوستان و خانگانی است. وجه قابل آن کدام است؟ شاید این امر تنها مستلزم تصمیم ما باشد.

- پانویس‌ها**
- ۱- بررسی روشنگرانه اندیشه‌های مارژین کوپر، والتر بعل، بیژن عبدالکریمی، سروش، تهران، ۱۳۸۱.
 - ۲- سه نقل از روزنامه هسپری شماره ۱۸۱۱، ۲۰۰۱ میل، پانزدهم، ۳ به ۲۲ دی ۱۳۸۵، صفحه ۱۴.
 - ۳- روانکاوی فرهنگ عامه، پری ریچاردز، حسین پاینده، طرح ۱۳۸۰.
 - ۴- همان.
 - ۵- همان.
 - ۶- یک فصل از این کتاب در مجله ازین شماره ۱۸، جبهه ۵۵۵ که در اینجا چند نقل قول از اینجا آورده شد. خدمت‌رسان، چنگی در زمانه ما، مجله ازین شماره، شماره ۱۰۱، فصل نظری فرهنگ، کرسوفر لاش، ترجمه حسین پاینده، پاییز ۱۳۸۰.